

## سه مقاله به ارتباط وضع کنونی افغانستان :

- 1- بازگشای پتانسیل تحول افرین خط آهن ترانس افغان.
- 2- پیشبینیها درباره «خلا امنیتی» افغانستان همگی اشتباه بود
- 3- دافغانستان په اړه توهمات - آمریکا دروسی اوداوکراین په اړه رندوی.

نویسنده : اف . ام .شاکیل «F.M.Shakil»

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2023-09-04».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## 1- بازگشای پتانسیل تحول افرین خط آهن ترانس افغان.

### Unlocking the Trans-Afghan Railway's transformative potential

پروژه راه آهن ترانس-افغان فرصتی را برای ایجاد روابط تجاری مهم در سرتاسر اوراسیا نشان می دهد که چین ، ایران ، پاکستان و افغانستان را به هم متصل می کند با این حال، موفقیت آن به عزم تزلزل ناپذیر برای غلبه بر چالش های اجتناب ناپذیر مالی، امنیت و ژئوپلیتیک بستگی دارد.

*The Trans-Afghan Railway project represents a game-changing opportunity to build critical commercial ties throughout Eurasia, connecting China, Iran, Pakistan, and Afghanistan. However, its success hinges on unwavering determination to overcome the inescapable challenges of finance, security, and geopolitics.*



## عکاسی کریدل

\*\*\*\*\*

در یک توسعه امیدوارکننده برای اتصال و تجارت منطقه‌ای، پروژه راه آهن ترانس-افغان هنگامی که مقامات افغانستان، ازبکستان و پاکستان در 17 جولای در اسلام‌آباد گرد هم آمدند، تقویت بسیار مورد نیاز را دریافت کرد. این ابتکار بلند پروازانه که شش سال در دست ساخت است، به دنبال ایجاد یک پیوند ریلی حیاتی بین سه "منطقه" است.

این توافقنامه سه جانبه حمایت‌مشتاقانه را از طرف سه مداران کلیدی، از جمله وزرای دارایی و راه آهن پاکستان به دست آورده است. مقامات راه آهن و حمل و نقل این کشورها با هم یک اتصال ریلی 573 کیلومتری را که آماده اتصال تاشکند، کابل و پیشاور بود، تأیید کردند.

مسیر پیش بینی شده یک ارتباط از شهر مقدس مزار شریف در شمال افغانستان به گذرگاه مرزی **خرلاچی** در ناحیه قبیله ای کرم پاکستان را ترسیم می‌کند که به طور بالقوه زمان سفر بین ازبکستان و پاکستان را تا پنج روز کاهش می‌دهد و هزینه‌های حمل و نقل را حدود چهار درصد کاهش می‌دهد.

قبلاً در سال 2011، یک بخش راه آهن به طول 75 کیلومتر که حیرتان را در جنوب ازبکستان به مزار شریف متصل می‌کرد، نقطه عطف موفقیت آمیزی برای این تلاش بود. اگرچه در فعالیت‌ها آرامش وجود داشته است، نشست جولای از برنامه های بلند پروازانه برای تکمیل راه آهن تا سال 2027 با ظرفیت حمل 15 میلیون تن بار در سال تا سال 2030 پرده برداری کرد.

## چشم انداز اتصال منطقه ای

ازبکستان، یک کشور آسیای مرکزی محصور در خشکی، ابتکار راه آهن ترانس-افغان را با قدرت تازه ای برای ایجاد ارتباط با بنا در دریای پاکستان از

جمله کراچی، گوادر و بن قاسم پیش می برد و بدین ترتیب به بازارهای خلیج فارس و اروپا دسترسی پیدا می کند .

هدف این اقدام استراتژیک توسط تا شکند تقویت شبکه های حمل و نقل و تقویت جریان تجارت در سراسر اوراسیا است . برگیری طولانی مدت بین روسیه و اوکراین باعث ایجاد دوباره صف بندی و بی ثباتی ژئوپلیتیکی شده است و نیاز به ارزیابی مجدد مسیرهای عرضه جهانی دارد .

ازبکستان، به ویژه، خود را در مرحله تحولی می بیند، جایی که پروژه های زیربنایی که زمانی غیرقابل دوام تلقی می شدند، اکنون در حال پیشرفت هستند . پروژه راه آهن ترانس-افغان که توسط ازبکستان حمایت می شود، نوید تبدیل شدن به یک نیروی دگرگون کننده را دارد و تا شکند را به بازارهای صادراتی برجسته مانند چین و اتحادیه اروپا متصل می کند .

**ضیاء الحق** سرحدی، مدیر و هماهنگ کننده اتاق مشترک تجارت و صنعت پاکستان و افغانستان (PAJCCI) در گفتگو با کریدل می گوید :

او گفت: «کل شیبینگ آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه که با آسیای مرکزی و قفقاز راحت می شود به افغانستان و پاکستان بستگی دارد . اگر آنها بتوانند خط آهن ترانس-افغانستان را به پایان برسانند، این یک تغییر بازی برای اوراسیا متحد خواهد بود . با این حال، نیاز میرمی برای کشورهای منطقه وجود دارد که با این کریدور جدید همراه شده و رزرو خود را متوقف کنند . رسیدگی به نگرانی های آنها و پاکسازی هوا بسیار مهم است تا این راه آهن بتواند واقعاً به قلب تپنده تجارت منطقه تبدیل شود و چین، ایران، پاکستان، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی را به هم متصل کند .»

## آیا راه آهن فرا افغانستانی فقط یک رویا است؟

مسیرتجاری پیشبینی شده، که به دنبال ایجاد ارتباط بین ازبکستان و پاکستان از طریق افغانستان است، دارای اهمیت ژئوپلیتیکی عمیقی است . با این حال، به نظر می رسد که تحقق آن در شبکه ای از چالش های مالی و امنیتی غوطه وراست و سایه ای از عدم اطمینان را بر چشم انداز آن می افکند .

یکی از موانع قابل توجه، چشم انداز غیر محتمل موسسات مالی ایالات متحده است که برای چنین پروژه بلند پروازانه ای در مناطق ناآرام افغانستان تمویل می کنند . علاوه بر این، سوابق گذشته پاکستان در مدیریت ابتکارات مشابه تردیدهایی را برانگیخته است و چشم انداز پروژه را پیچیده تر کرده است .

پاکستان که به سیاست خارجی دو وجهی خود شهرت دارد، اغلب در مواجهه با فشار و اشنگتن و اتحادیه اروپا برای مقابله با طوفان تلاش کرده است. ماه گذشته، پاکستان رسماً ناتوانی خود را در انجام تعهدات قراردادی خود برای تکمیل پروژه خط لوله گاز ایران-پاکستان (IP) به دلیل عوامل خارجی خارج از کنترل خود به تهران اعلام کرد. پاکستان همچنین از تهران درخواست کرده است که این پروژه را به حالت تعلیق درآورد و فشار وارده از سوی آمریکا را عامل مهمی در این تصمیم عنوان کرده است.

در اوایل سال جاری، تهران به اسلام آباد هشدار داده بود که عدم انجام تعهدات خود تا مارس 2024 جریمه سنگینی در حدود 18 میلیارد دلار به دنبال خواهد داشت. ایران ادعا کرده بود که بخشی از خط لوله خود را که از خلیج فارس تا مرز استان بلوچستان جنوب غربی پاکستان امتداد دارد، تکمیل کرده است.

علاوه بر ابهامات، پاکستان واردات نفت خام از روسیه را تنها چند هفته پس از دریافت محموله اولیه خود به طور ناگهانی متوقف کرد و به آن اشاره کرد که مزیت های محدود درک شده و تعهد به ایجاد معاملات بلند مدت برای واردات نفت خام با تخفیف. این تصمیم یک ماه پس از دریافت اولین محموله در ماه ژوئن و پس از ماه ها رایزنی و اعلام عمومی صورت گرفت.

قانونگذاران در پشاور، جایی که کریدور راه آهن پیشنهادی به اوج خود می رسد، در مورد امکان سنجی چنین پروژه ای با توجه به چالش های اقتصادی فعلی اسلام آباد ابراز نگرانی می کنند. تردیدها در مورد ظرفیت تشکیلات پاکستان برای پیگیری مستقل سیاست هایی که واقعاً رفاه اقتصادی عموم مردم را در اولویت قرار می دهد، وجود دارد.

به گفته **زاهد خان**، سناتور سابق و سخنگوی حزب ملی عوامی، این ابتکار تا حد زیادی روی کاغذ باقی می ماند و احتمالاً تا زمانی که پاکستان نتواند خودمختاری بیشتر در شکل دادن به سیاست های اقتصادی خود، همسو با شرایط منحصر به فرد منطقه ای خود، اعلام کند، رویایی دور باقی خواهد ماند. او به کربدل می گوید:

این گونه پروژه ها فقط چشم شویه ای برای منحرف کردن خشم عمومی از واقعیت های اصلی است، در زمانی که اقتصاد در طناب بود و توده ها به خیابان ها آمدند تا به تورم فزاینده مواد غذایی و قبوض متورم برق اعتراض کنند

**خان** همچنین تأکید می کند که اعتبار اسلام آباد زمانی که از پروژه خط لوله گاز IP عقب نشینی کرد و واردات نفت خام روسیه را رد کرد، آسیب دید، در حالی که دولت مجهز به سلاح هسته ای با بحران انرژی مداوم دست و پنجه نرم می کرد.

## دیپلماسی راه آهن طالبان

پیچیدگی پروژه راه آهن افغانستان در ظرفیت مالی شرکای آن است که هیچ یک از آنها نمی توانند به طور مستقل با چند میلیارد دلار را به دوش بکشند. در سال 2020، تیم سه جانبه به طور مشترک به دنبال تأمین مالی پروژه از شرکت مالی توسعه بین المللی ایالات متحده (DFC) و سایر مؤسسات مالی بین المللی بودند.

با این حال، برآوردهای متناقضی ظاهر شد، به طوری که تاشکند 4.6 میلیون دلار و اسلام آباد حدود 8 میلیارد دلار تخمین زدند که چالش مالی موجود را برجسته می کند.

ماه گذشته، **نورالدین عزیز**، سرپرست وزارت تجارت و صنعت طالبان، تصمیم گرفت با روسیه و قزاقستان همکاری کند تا در ساخت خط آهنی که کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی را به سواحل دریای عرب متصل می کند، نیروهای خود را بپیوندند.

این تصمیم با دیدگاه گسترده تر طالبان، با سرمایه گذاری بر تغییرات جهانی پس از درگیری روسیه و اوکراین هماهنگ است. این فرصتی را برای آنها فراهم می کند تا از طریق افزایش ارتباط منطقه ای راه را برای توسعه اقتصادی هموار کنند.

با گسترش شاخه زیتون به قزاقستان و روسیه، طالبان قصد دارند به اهداف متعددی دست یابند و ارتباط منطقه ای را از طریق پروژه راه آهن ترانس-افغان تقویت کنند. این تلاش نه تنها کابل را به بازارهای پرسود صادراتی در آسیای مرکزی نزدیکتر می کند، بلکه زمینه را برای روابط قوی تر بین این کشورها فراهم می کند.

## ملاحظات چینی

چین و به طور بالقوه بانک سرمایه گذاری زیرساخت های آسیایی (AIIB)، به عنوان منابع احتمالی کمک مالی برای پروژه راه آهن فراافغانستان ظاهر می شوند. گسترش حجم تجارت پکن با ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان، آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در منطقه قرار می دهد.

بر اساس جدیدترین داده های گردآوری شده توسط اداره کل گمرک چین (GTU) و منتشر شده برای نیمه ابتدایی سال 2023، بدیهی است که صادرات پکن به آسیای مرکزی در شش ماهه اول سال تقریباً 26.4 میلیارد دلار بوده است. در مقابل، این کشور وارداتی به ارزش نزدیک به 13.5 میلیارد دلار ثبت کرد که عمدتاً ناشی از واردات نفت و گاز طبیعی بود.

تجارت چین و ازبکستان به ویژه شاهد رشد قابل توجهی 26.8 درصدی نسبت به سال قبل بوده و به بیش از 6.1 میلیارد دلار رسیده است. صادرات چین به ازبکستان در مجموع حدود 5.46 میلیارد دلار و واردات از ازبکستان 629 میلیون دلار بوده است. افزایش تجارت دوجانبه چین با آسیای مرکزی نشان دهنده منافع اقتصادی قابل توجه این کشور در منطقه است.

ایجاد یک کریدور راه آهن قابل اعتماد از طریق تسهیل حمل و نقل مقرون به صرفه و کارآمد کالاهای ترانزیتی، در خدمت منافع چین خواهد بود. با این وجود، این پروژه همچنان با چالش ها و عدم قطعیت های متعددی روبرو است که ممکن است تصمیم گیرندگان چینی را در تخصیص منابع حیاتی تحت تاثیر قرار دهد.

## خطرات امنیتی و اقدامات متقابل

**نذیر احمد رسا**، مهندس راه آهن افغانستان در مقاله ای که در پایگاه خبری هشت صبح منتشر شد، مدعی شد که پروژه راه آهن ترانس-افغانستان مستقیماً از سوی داعش تهدید شده است. در نتیجه، افغانستان، ازبکستان و پاکستان باید بودجه هنگفتی را برای تهیه خودروهای زرهی و استخدام پرسنل امنیتی برای حفاظت از تیم فنی اختصاص دهند.

**رسا** توضیح داد: "با توجه به وقوع بسیاری از عملیات های انجام شده توسط داعش در ولایات کابل و هرات، همراه با تهدیدات صریح آنها برای هدف قرار دادن این پروژه، می توان ادعا کرد که این وضعیت ممکن است مانع مهمی برای پیشرفت آن باشد."

وی در ادامه افزود که عملیات نظامی جاری توسط تحریک طالبان پاکستان و دیگر گروه های شبه نظامی علیه دولت پاکستان خطر بیشتری را برای اجرای این پروژه ایجاد می کند.



**ضیاء الحق** سرحدی در پاسخ به نگرانی‌های امنیتی در افغانستان، به تحولات اخیر مربوط به تسهیل محموله‌های پاکستان از چین به افغانستان بر اساس کنوانسیون حمل و نقل بین‌المللی (TIR) اشاره می‌کند.

این ابتکار نوید یک مسیر تجاری کارآمدتر و مقرون به صرفه جوی‌تر را می‌دهد و زمان سفر را تا حدود 70 درصد کاهش می‌دهد و هزینه‌های لجستیک را کاهش می‌دهد.

-----  
**با تقدیم احترامات «2023-09-06»**

**مقاله دوم:**

\*\*\*\*\*

**نویسنده:** آدم واینستاین «Adam Weinstein»

**منبع و تاریخ نشر:** ریسپونسیبل ستیت گرفت «05-09-2023»

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

-----  
**2- پیشبینی‌ها درباره «خلا امنیتی» افغانستان همگی اشتباه بود**

**Predictions of an Afghan 'security vacuum' were all wrong**



برای بسیاری از آمریکایی‌ها هنوز هم شوکه کننده بود که شاهد فروپاشی سریع دولتی باشند «دولت کابل» که در ساخت آن زندگی افراد و دلارهای مالیاتی زیادی هزینه شده یا که کمک صورت گرفته است.

\*\*\*\*\*

امروز، افغانستان برای بسیاری از افغان‌ها یک مکان کابوس‌آمیز است که با کمبود حقوق و فرصت‌ها مشخص شده است. تشخیص این واقعیت بسیار مهم است. با این حال، اذعان به این نکته نیز مهم است که پیش‌بینی‌های متعدد و آشننگتن آنطور که انتظار می‌رفت محقق نشد. علیرغم همه توصیه‌های دولت **بایدن**، افغانستان به هدیه‌ای برای چین یا روسیه یا کانون تروریسم فراملی تبدیل نشده است.

پرزیدنت **بایدن** به دلیل عقب‌نشینی با انتقادهای بی‌امان مواجه شد، سناتور جمهوری خواه **جیم ریش** آن را «عقب‌نشینی آمریکا را» هدر دادن "20 سال خون و فداکاری" خواند و سناتور دموکرات **باب مندز** آن را "نقص مرگبار" نامید **لئون پانتا**، وزیر دفاع پیشین، که در دوران ریاست جمهوری **اوباما** بر پایان افزایش قدرت ایالات متحده در افغانستان نظارت داشت، این تخلیه را به شکست بدنام خلیج خوک‌ها تشبیه کرد، حتی قبل از دست دادن غم‌انگیز 13 نظامی ایالات متحده و حداقل 170 افغان در یک جنگ. بالآخر حمله داعش.

در همین حال، **مایک پمپئو**، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، که کمتر از یک سال قبل با افتخار برای عکسبرداری با مذاکره‌کننده ارشد طالبان ایستاده بود، پس از موافقت با خروج نیروهای آمریکایی، به فاکس نیوز گفت: «دولت **بایدن** به تازگی در اجرای حکم شکست خورده است. طرح خود را «در ماه آوریل، هیئت تحریریه وال استریت ژورنال تا حدی حمله روسیه به اوکراین را به «ایالات متحده آمریکا» نسبت داد. تسلیم شدن در افغانستان» و در جریان یک جلسه استماع کنگره در ماه جولای، **مایکل مک کال**، عضو کنگره این خروج را «اشتباهی حماسی» خواند. یعنی که در واقع این شکست؛ شکست یک یتیم است.

یکی از دلایلی که اغلب ذکر شده برای اینکه چرا ارتش ایالات متحده مجبور شد در افغانستان بماند، ریشه در تلاش‌های ضد تروریسم داشت.

در واقع، مبارزه با تروریسم دلیل مجوز استفاده از نیروی نظامی بود که در وهله اول به نیروهای آمریکایی اجازه استقرار در افغانستان را داد. پرزیدنت **بایدن** وقتی در 16 اوت 2021 اظهار داشت که "تنها منافع ملی حیاتی ما در افغانستان امروز همان چیزی است که همیشه بوده است: جلوگیری از حمله تروریستی به میهن آمریکا" انتقاد برخی از کارشناسان را برانگیخت. وی تأکید کرد که ماموریت اولیه در واقع پاسخی به یک حمله تروریستی بود و تمرکز اصلی بر ضد تروریسم بود.

برخی از کارشناسان ممکن است این واقعیت را ناخوشایند بدانند، به ویژه آنهایی که به این باور رسیده‌اند که حضور ما در افغانستان اساساً برای ملت سازی بوده است، نه اینکه بپذیرند که ملت سازی خود یک استراتژی نادرست در چارچوب جنگ علیه تروریسم است.



در پیش از عقب نشینی، مفهوم قابلیت های ضد تروریسم فراتر از افق اغلب به عنوان ناکارآمد مورد تمسخر قرار می گرفت. در پاییز 2021، پنتاگون ارزیابی کرد که استان خراسان (ISKP)، یکی از شاخه های داعش در افغانستان، می تواند تا 6 ماه آینده به ایالات متحده حمله کند. با این حال، نزدیک به دو سال بعد، هیچ حمله ISKP از افغانستان، خاک ایالات متحده را هدف قرار نداده است.

علاوه بر این، تحلیلگران ارشد در مرکز ملی ضد تروریسم (NCTC) اخیراً ارزیابی کردند که این گروه برای انجام حملات در خارج از کشور به "عملیات بی تجربه در اروپا" متکی است. به عبارت دیگر، نسل بعدی هواپیما ربایان 11 سپتامبر در افغانستان آموزش نمی بینند. دولت **بایدن** توانایی خود را برای کسب پیروزی های چشمگیر در مقابل تروریست ها به نمایش گذاشت، مانند زمانی که یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی، ایمن الظواهری، رئیس القاعده را در آپارتمانی در کابل در 31 جولای 2022 کشت.

از ماه مارس گذشته، **نیکلاس راسموسن**، هماهنگ کننده مبارزه با تروریسم وزارت امنیت داخلی، احتمال وقوع یک حمله به سبک 11 سپتامبر را "تقریباً غیر قابل تصور" ارزیابی کرد.

دنیای امروز با صبح 11 سپتامبر 2001 متفاوت است. در آن زمان، افغان ها ارتباط بسیار محدودی با جهان خارج داشتند. در مقابل، امروزه بیش از 60 درصد از بزرگسالان دارای تلفن همراه هستند که بیش از 80 درصد به آن دسترسی دارند. این روند برای سایر نقاط جهان که زمانی منزوی بودند نیز صادق است. این اتصال، توانایی طالبان برای اعمال محدودیت های شدید خود را در درازمدت با چالش هایی مواجه خواهد کرد. همچنین نحوه عملکرد تروریست ها را تغییر داده است. در قلمرو تروریسم، جهان واقعاً مسطح است. ایدئولوژی های افراطی را می توان منتشر کرد و تروریست ها می توانند عوامل خارجی را برای آسیب رسانی به خدمت بگیرند.

اما این ممکن است یک پیروزی بزرگ برای گروه های تروریستی مانند ISKP نباشد. در حالی که ظرفیت آنها برای استخدام بیشتر از گذشته است، توانایی آنها برای آموزش و هدایت نیروهای با کیفیت بدون دخالت در واقع کاهش یافته است. در همین حال، ظرفیت کشورهای هدف بالقوه برای رهگیری چنین توطئه هایی قوی تر از همیشه است. به جای شرکت در یک کمپین جهانی خالکوبی تروریستی، این دفاع داخلی ما است که بهترین موقعیت را برای محافظت از میهن دارد.

این به معنای کم اهمیت جلوه دادن پتانسیل فضا های بدون حکومت برای خدمت به عنوان بستری برای پرورش تروریست های ماهر و با انگیزه نیست. با این حال، در مورد قضیه افغانستان، تحلیلگران NCTC به این نتیجه رسیدند که فعالیت های طالبان «شاخه

[ISKP] را از تصرف سرزمین‌هایی که می‌توانست برای جذب و آموزش نیروهای خارجی برای حملات پیچیده‌تر استفاده کند، ممانعت کرده است.»

در حالی که درست است که تروریسم را می‌توان مدیریت کرد و ملت‌سازی هدف جنگ نبود، هنوز برای بسیاری از آمریکایی‌ها شوکه‌کننده بود که شاهد فروپاشی سریع دولتی باشند که جان بسیاری از ایالات متحده، دلارهای مالیاتی و زندگی ما را در بر می‌گیرد. و شرکای افغان در ساختن آن سهیم بودند.

یکی از دلایل حیرت‌انگیز قانون‌گذاران، رسانه‌ها و افکار عمومی آمریکا در مورد ما بی‌تخلیه، ناپدید شدن نیروهای امنیتی افغانستان، و خروج عجولانه **دولت غنی**، ناشی از جریان مداوم دروغ‌ها در مورد جنگ است. به جای تلاش عمدی برای فریب عمدی، بیشتر یک تمرین جمعی برای خودفریبی، حذف و اغراق امیدوارانه بود.

در حالی که جنگ ایالات متحده در افغانستان به پیش می‌رفت، یک مراسم عبادی با دقت تنظیم شده از نکات گفتگو در واشنگتن تکرار شد. رهبران ما به خوبی می‌دانستند که افغانستان مجمع‌الجزایر شهرهای بریده شده و پایگاه‌های عملیاتی پیشرو است، در حالی که طالبان بر روستاها، جاده‌ها و شب‌ها تسلط داشتند. بر کسی پوشیده نبود که **اشرف غنی** در محاصره دایره‌ای از مشاوران متفکر قرار داشت. اقتصاد با جریان مداوم کمک‌ها و صنایع مرتبط با جنگ حفظ شد. با این حال، تا پس از فروپاشی دولت افغانستان، صحبت صریح در این مورد نادر بود.

ناهماهنگی شناختی این امر را برای قانونگذاران ایالات متحده، نخبگان خارجی، مردان سالخورده نظامی که از کشورهای درگیر جنگ فرار کرده بودند و حتی سازمان‌های حقوق بشری پذیرفتند که نه تنها خواستار استقرار دائمی سربازان آمریکایی شوند، بلکه ادعا کنند که ما چنین تعهدی را مدیون هستیم. البته، ارتش ایالات متحده بیش از حد مشتاق به تعهد بود. و برای سربازان، تمایل و فشار بی‌وقفه برای اعزام وجود دارد. من هم داوطلب اعزام شدم. با این حال، شور و شوق جنگجویان جوان نباید چک سفیدی برای آسیب رساندن به آنها بدهد.

از زمان خروج ایالات متحده، حقایق نگران‌کننده ظاهر شد. اگرچه ده‌ها هزار سرباز افغان فداکاری نهایی را انجام دادند، اما زمانی که فشار وارد شد - حتی قبل از خروج آمریکایی‌ها - نیروهای افغان به دست طالبان افتادند. ذخایر آنها تمام شد و رهبران فاسد در کابل آنها را رها کردند تا بمیرند یا تسلیم شوند. جنگ سالاران نیرومند، که توسط واشنگتن بالا گرفته و توسط **اشرف غنی** برای نجات جمهوری احضار شده بودند، به کشورهای همسایه گریختند.

در طول سال‌ها، طالبان به عنوان نیا بتی پاکستان کنار گذاشته شدند و ارتباطشان با جامعه افغانستان قطع شد، اما این دولت افغانستان بود که از طریق یک کنفرانس

بین‌المللی در بن آلمان ایجاد شد و با میلیاردها کمک ایالات متحده حمایت شد و نتوانست الهام بخش افغان‌ها باشد برای بقای خود در لحظه‌ای حساس بجنگد بسیاری از ناظران، از جمله من، مطمئن بودند که افغان‌ها به شدت در برابر طالبان مقاومت خواهند کرد و کشور به سرعت وارد جنگ داخلی خواهد شد. کشور در عوض در سکوتی غم‌انگیز فرو رفته است.

یکی از پیش‌بینی‌هایی که به حقیقت پیوست، وضعیت وخیم زنان تحت حکومت طالبان است که فقط می‌توان آن را آپارتاید جنسیتی توصیف کرد. آنها به تدریج حق دختران و زنان را برای تحصیل محدود کرده‌اند، مکان‌های تجمع و معیشت مانند سالن‌های زیبایی را بسته‌اند و حتی زنان را از حضور در پارک ملی منع کرده‌اند. به نظر می‌رسد که اعمال آن‌ها بیشتر ناشی از وسواس در کنترل هر جنبه‌ای از زندگی زنان است تا دکتترین مذهبی.

علاوه بر این، طالبان مخالفان را سرکوب کرده و علیه رقبای خود از شکنجه استفاده کرده‌اند. ما باید با این واقعیت‌های خشن مقابله کنیم و اقدامات معنادار انجام دهیم، اما باید از دادن وعده‌هایی که نمی‌توانیم به آنها عمل کنیم، هم به خاطر افغان‌ها و هم به خاطر اعتبار خودمان، خودداری کنیم.

امروز، افغانستان برای اولین بار در بیست سال گذشته درگیر جنگ نیست و مرگ و میرهای خشونت‌بار از بیش از 20000 نفر در سال در سال‌های منتهی به خروج ایالات متحده به کمتر از 2000 نفر در سال گذشته کاهش یافته است. کشور به یک کشور مواد مخدر تبدیل نشده است. طالبان همچنین عقاید افراطی خود را رها نکرده‌اند، القاعده را رد نکرده‌اند و طالبان پاکستانی را مهار نکرده‌اند.

با این حال، به نظر می‌رسد تمرکز فعلی آنها در داخل افغانستان است. اقتصاد افغانستان تا حدودی به دلیل سوءمدیریت طالبان با مشکل مواجه است، اگرچه به نظر نمی‌رسد که از نظر مدیریت بی‌تر از دولت قبلی باشد و به نظر می‌رسد فساد آنها کمتر باشد. با این حال، ظلم آنها شکست‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

شایان ذکر است که چرا بسیاری از پیش‌بینی‌های ما نادرست بودند. ایالات متحده توسعه افغانستان را تسهیل کرد، اما جنگ را نیز طولانی کرد. اکنون، حاکمیت طالبان و انزوایی که ایجاد می‌کند، افغان‌ها را در فقر عمیق‌تری فرو برده و برای زنان کابوسی ایجاد کرده است، معامله‌ای از جهنم که توسط واشنگتن و شرکای آن در کابل ایجاد شده است، اما در نهایت تنها توسط خود افغان‌ها قابل حل است.

## **چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :**

آدام واینستین معاون برنامه‌خاورمیانه در موسسه کوینسی است که تحقیقات فعلی او بر امنیت و حاکمیت قانون در افغانستان، پاکستان و عراق متمرکز است.

او همچنین یک عضو غیر مقیم در تد بلاگ، یک اتاق فکر و شرکت مشاوره مستقر در اسلام آباد است و به طور منظم در سراسر پاکستان سفر می کند. تحلیل آدام در واشنگتن پست، گاردین، فارین پالیسی، جنگ در راک، لوفار، و منافع ملی به نمایش گذاشته شده است.

او قبل از آمدن به موسسه کوئینسی، برای فعالیت تجاری بین المللی KPMG کار می کرد و به مشتریان چند ملیتی در جهت یابی در چشم انداز تجاری در حال تغییر آسیا، گنجاندن دقت نظر حقوق بشر در زنجیره های تامین، مدیریت ریسک تحریم ها و استفاده از توافق نامه های تجارت آزاد کمک می کرد. او همچنین به عنوان تحلیلگر ارشد حقوق و سیاست در شورای ملی ایرانیان آمریکایی کار کرد و در آنجا بر امنیت سیاست مهاجرت ایالات متحده و تأثیر آن بر جوامع مهاجر تمرکز کرد.

آدام از دانشکده حقوق بیزلی دانشگاه تمپل با تمرکز بر حقوق بین الملل و عدالت انتقالی مدرک JD دریافت کرد. او به عنوان یک تفنگدار نیروی دریایی ایالات متحده خدمت کرد و در سال 2012 به عنوان بخشی از گروهان ارتباطی تیراندازی تیراندازی نیروی دریایی هوایی به افغانستان اعزام شد، جایی که در استان ارزگان در حمایت از هنگ دوم کماندوی استرالیا خدمت کرد.

## Adam Weinstein

Deputy Director, Middle East Program



EXPERTISE  
Middle East, Afghanistan, Pakistan

### PROGRAMS

media@quincyinst.org

202.279.0005



----- با تقدیم سلامها «2023-09-7»

دریم مقاله :

3- دافغانستان په اړه توهمات - آمریکا دروسی

اوداوکراین په اړه ږندوی.



لیکونکی: اناتول لیبن «Anatol Lieven»

منبع اود خپریډو نیټه: پرنسپل ستیت کرفت «2023-09-06»

ژباړونکی: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

### 3 - دافغانستان په اړه توهمات - آمریکا دروسی اوداوکراین په اړه رنده وی.

#### **Afghanistan delusions blind US on Russia-Ukraine**

د کابل د وتلو د دوه کلني کلزې په مناسبت، که واشنگتن د جگړې  
درسونه هېر کړي، بنایي تېروتنې یې بیا تکرار شی.

*On the two-year anniversary of the Kabul withdrawal, if  
Washington forgets the war's lessons, its mistakes are likely  
to be repeated.*



Afghanistan delusions blind US  
on Russia-Ukraine

On the two-year anniversary of the Kabul withdrawal if

په افغانستان کې د امریکا د لاسوهنې د وروستی ماتې د دویمې کلیزې په مناسبت، مور باید د امریکا د ستراتیژۍ لپاره د دې ناورین درسونه په بل ځای کې په پام کې ونیسو .

په داسې حال کې چې د افغانستان قضیه پخپله په طبیعت کې ځانګړې ده، د واشنګټن ټېروتنې او ناکامۍ د متحده ایالاتو په پالیسي جوړونې او سیاسي کلتور کې پراخې او ژورې بڼې – او رنځپوهنې – منعکس کوي . که چیرې ورته پاملرنه ونشي، نو دا به په راتلونکې کې د نورو نا ورینونو لامل شي .

بیا هم د نړۍ ډیرې اصلي رسنۍ او د فکري ټانک نړۍ په افغانستان کې د متحده ایالاتو د جګړې یادونه د انعکاس سرچینې په توګه نه بلکې د شرم په توګه کاروي چې تر ژره او په بشپړ ډول هیر شي .

دا د متحده ایالاتو په اصلي جریان کې د ویتنام د یادښت سره موازي کوي - او پایله یې د عراق ناورین و. د متحده ایالاتو د مناظرې په اړه یو له خورا حیرانتیا شیانو څخه - دا نوم ورکول - په عراق باندې د برید د مخه، په پام کې نیولو یا حتی ذکر کولو کې عمومي ناکامې وه چې د ویتنام تجربې شاید درس ورکړې وي بن وړځ، د درسونو د زده کړې څخه انکار په اوکراین کې د متحده ایالاتو بنکیلتیا پورې اړه لري.

پر افغانستان د امریکا له یرغل مخکې له طالبانو سره د ډیپلوماسۍ په تعقیبولو کې پاتې راتلل د سپټمبر د یوولسمې په تروریستي بریدونو کې د امریکایانو له خوا په طبیعي ډول د هغه قهر او غصې له امله چې د القاعدې د مشرتابه له سپارلو یې سمدستي انکار کړی و، توضیح او عذر کولای شي په ښکاره توګه مسؤلیت درلود په هر صورت، د متحده ایالاتو د یرغل په پایله کې د ویرونکو لګښتونو په پام کې نیولو سره، دا د پوښتنې وړ ده چې آیا هغه طریقه چې طالبانو ته اجازه ورکوي چې مخ خوندي کړي او په خپلو عقیدو کې ریښتین پاتې شي ممکن د امریکا یا نو او افغانانو دواړو لپاره غوره پایلې رامینځته کړي: د بیلګې په توګه، سپر نه احتمال شته چې طالبان دې ته وهڅول شي چې د القاعده مشرتابه بل مسلمان هیواد ته وسپاري .

د عراق په قضیه کې، د **بوش** ادارې لا دمخه د یرغل پریکړه کړې وه، هیڅ صادقانه ډیپلوماتیک هڅه نه وه .

د افغانستان دوهم درس د جګړې په څیر زور دی او د نظامي تیوریست **کارل وان کلاروویتز** لخوا تینګار شوی وو: چې هیڅکله په هیڅ جګړه کې د اوږدې مودې بریا یقیني نشي کیدی، که یوازې دا چې جګړه د بل هر انساني فعالیت څخه ډیر مسؤلیت لري. غیر ارادي اغیزې او پایلې رامینځته کول .

د افغانستان په قضیه کې، د القاعدې د له منځه وړلو او له واک څخه د طالبانو د لیرې کولو ماموریت د بهرنۍ مداخلې، مرستې او څارنې له لارې د یو عصري



ډيموکراتيک افغان دولت د جوړولو لپاره خورالوی - او شايد په طبيعي توگه ويجار شوی .

دا په بدل کې د اسلامي عقيدې او پښتون ملتپالني تر منځ د زور او استثنايي قوي اړيکي له مينځه وړلو هڅي سره تړاو لري چې طالبان يې رامینځته کړي، د کمونيستي رژيم او شوروي مداخلې په وړاندې خورا مقاومت او په 1980 لسيزه کې د برتانوي امپراتوري په وړاندې ډيرې پاڅونونه مخکې له دې .

د دې په پام کې نيولو سره چې ډيرې پښتانه په پاکستان کې ژوند کوي، ناگزير پايله يې هغه هيواد ته د جگړې غځول وه، چې د پاکستان کورنۍ جگړې ته يې لاره هواره کړه چې لسگونه زره يې ووژل. د افغان طالبانو په شړلو کې د پاکستان نه انکار او يا نه کول په پاکستان کې د متحده ايالاتو د مستقيمي مداخلې د گواښ لامل شو - که دا واقع شوی وای، نو د افغانستان او عراق په پرتله به ډير بد نا ورين رامینځته کړي.

د پايولو اټکل کولو کې پاتې راتلل د موافقت او مسلکيزم لخوا خرابيږي؛ نه دا چې دا تمايلات د متحده ايالاتو په تاسيس کې د نورو ځايونو په پرتله خورا خراب دي مگر په ټوله نړۍ کې د مداخلې لپاره د امريکا ځواک او وړتيا د دوی منفي پايولي ډيروې له يوې خوا، د دوی معنی دا ده چې حتی متخصصين او ژورناليستان چې د ښه پوهيدو په حالت کې دي، د ټاکل شوي وخت د تاسيس کولو کړنې ته په غير فکري اطاعت کې د چارواکو سره يوځای کيږي، کوم چې ممکن د هيواد د واقعيتونو سره خورا ټينک اړيکه ولري .

. د طالبانو له نسکوريدو وروسته افغان نستان ته راستون شوم، له هغو ژورناليستانو سره مخامخ شوم چې ما په 1980 لسيزه کې د روسانو او کمونستانو پر وړاندې د مجاهدينو د جگړې د پوښښ پر مهال پيژانده. زه په زړه پورې وم چې دوی د هغې کړنې يوه نوې بڼه چې مسکو او کابل په 1980 لسيزه کې راښکاره کړي وه، په خدا کې وم: چې افغان مقاومت ريښتيني محلي ملاتړ نه درلود او په حقيقت کې افغان نه و، او دا په بشپړ ډول جوړ شوی و. د بهرنيو قدرتونو (د پاکستان په گډون) او پيسې دا په داسې حال کې ده چې طالبانو په عين حال کې د مجاهدينو په شان له هماغو سيمو څخه خلک استخدام کړي وو، چې په هماغه دلايلو يې جگړه کوله.

معاملې د سمدستي شیک او بيک "متخصصينو" سيلاب لخوا خرابيږي چې هرکله چې متحده ايالات په بهر کې نوي پانگوني ته مخه کوي رامینځته کيږي. د اړوندو ساحو په اړه د ريښتيني پوهې په پرتله په واشنگټن کې د دوی د اړيکو لپاره غوره شوي، دوی نشي کولی د متحده ايالاتو د پالیسي تېروتنې اصلاح کړي حتی که دوی د دې کولو اخلاقي جرئت ولري. برسېره پر دې، د محلي تاريخ او کلتور په اړه د دوی ناپوهی د دوی د سيمه ايزو مخبرانو د ځان گټو تصوراتو ته په ويره سره د منلو وړ کوي .

په دې توگه زه د 2000 لسيزې په لومړيو کې د متحده ايالاتو (او اروپايي)

حکومتونو ته د افغانستان په اړه د "مشورو" له اوریدلو څخه خوند اخلم چې دا اعلان کوي چې "افغانستان په 1960 لسيزه کې د منځنۍ طبقې یوه بريالی ډیموکراسي وه " دا د متحده ایالاتو سنډروم په بڼه توگه د اوډیپال په نوم یاد کیدی شي، ځکه چې دا دواړه بې رحمه او ځان روند دی .

یوځل چې دواړه سیاسي گوندونه د یوې ټاکلې ستراتیژۍ سره ځان ژمن کړي، د واشنګټن دوه اړخیزه تاسیساتو ته دا خورا ستونزمن ښکاري چې غلطې ومني او لاره بدله کړي - یو تمایل چې د متحده ایالاتو اړدو هم کله ناکله په ناورین کې برخه اخیستی ده د ماتې د منلو دا پوځي انکار خپل د ستاینې وړ اړخونه لري - هیڅوک باید د متحده ایالاتو جنرالان له دندې گوښه شي .

په هر صورت، امریکا سیاسي مشرانو ته اړتیا لري (د شخصي نظامي تجربو په شمول د تیرامین، آیزن هاور، کینیډي او کارتر په شمول) د پوهې او زړورتیا سره جنرالانو ته ووايي کله چې د ودریدو وخت وي .

پرځای یې، په افغانستان کې (لکه څنگه چې د افغانستان د بیارغونې لپاره د ځانگړي عمومي مفتش او نورولخوا مستند شوي)، جنرالانو او ادارې چارواکو د خوشبینو درواغو په جوړولو کې ملگرتیا وکړه، کوم چې بیا د باوري او تابع رسنیو لخوا خپاره شوي بن وړځ، دا خطر د بایډن د ادارې لخوا د دې منلو څخه انکار سره مخ دی چې د اوکراین ضد عملیات ناکام شوي، او دا د دې وخت دی چې په اوکراین کې د جگړې پای ته رسولو لپاره د سیاسي ستراتیژۍ پراختیا پیل کړي او اقتصادي او سیاسي زیانونه یې پیل کړي په اروپا کې د متحده ایالاتو حیاتي متحد ینو ته .

په افغانستان کې د متحده ایالاتو د ریکارډ په اړه وروستی ټکی باید په سختی سره رامینځته شي، ځکه چې دا د 1950 لسيزې راهیسې د لویو امریکایي مفکرانو په شمول د ریښ هولد نیوهر، هانس مورگینتاو، جورج کینن، ریچارډ هوفستایر او د بشپړ بریالیتوب لخوا تکرار شوی بې وان ووډوارډ دا د متحده ایالاتو په سیاسي تاسیساتو کې تمایل دی چې د اوسنی دښمن دښمني او د متحده ایالاتو لپاره خطر دواړه په پراخه کچه مبالغه کوي .

د ویتنام د بیا یوځای کولو لپاره د کمونیست په مشرۍ ملتپال غورځنگ پرځای، ویتنام کمونیستان د یو ځواک په توگه انځور شوي چې کولی شي د "ډومینو" د قطار له مینځه وړلو پیل وکړي چې په فرانسه او مکسیکو کې د کمونیست بریا سره پای ته رسیري. صدام حسین د سیمه ایز دیکتاتور پر ځای د متحده ایالاتو د هیواد لپاره یو اتومي گواښ شو. طالبان، چې یو بشپړ افغان ځواک دی، باید په افغانستان کې جگړه وکړي، ترڅو موږ د امریکا په مشرۍ د هغوی سره جگړې ته اړ نه شو .

او نن ورځ، د متحده ایالاتو چارواکي په خپل بیان کې یو څه اداره کوي چې دواړه گومان شوي باورونه سره یوځای کړي چې روسیه دومره ضعیفه ده چې اوکراین کولی

شي د روسیې اردو په بشپړه توگه مات کړي او د روسیې دولت په ویجاړونکي توگه کمزوری کړي، او دا چې روسیه دومره پیاوړې ده چې که په اوکراین کې ماتې ونلري د ناتو او په ټوله نړۍ کې ازادۍ ته وژونکي گواښ دی .

لکه څنگه چې لورین باریتز په 1985 کې په متحده ایالاتو کې د ویتنام د حافظې له مینځه ورو په اړه لیکلي " :

زموږ ځواک، خوبې، سختی او ناپوهی موږ د ویتنام تجربې په هغه طریقه کې شاملولو څخه منع کړي چې موږ د ځان او نړۍ په اړه فکر کوو ... مگر فکر کولو ته اړتیا نشته پرته لدې چې شک شتون ولري له شکه خلاص، موږ له فکره خلاص یو». دا به ښه وي چې فکر وکړو چې په دې کلزیه کې، او په اوکراین کې د لا زیاتو خطرونو سره مخ دی، د متحده ایالاتو تاسیسات او رسنۍ به په افغانستان کې د پېښې په اړه یو څه جدي فکر وکړي.

## د مقالې د لیکونکي په اړه څو کرښې

اناتول لیوین (د جون په 28، 1960 په لندن کې زیږیدلی [1]) یو برتانوي ژورنالېست او سیاسي ساینس پوه دی. هغه د مسؤلیت ریاست کرافت لپاره د کونینسی انسټیټیوت کې د یوریشیا پروگرام رییس دی . لیوین د کیمبرج په پوهنتون کې زده کړې وکړې، چېرته چې هغه د لیسانس سند (تاریخ) او د پی ایچ دی ترلاسه کړ. (سیاسي علوم) [3] له 1985 تر 1998 پورې یې په جنوبي اسیا، پخواني شوروي اتحاد او ختیځې اروپا کې د خبریال په توگه کار کړی دی . هغه په افغانستان، چیچنیا او جنوبي قفقاز کې د جگړو په اړه راپور ورکړ. له 2000 څخه تر 2007 پورې هغه په واشنګټن ډي سي کې د فکري ټانکونو لپاره کار کاوه. هغه بیا د قطر په جورج ټاون پوهنتون کې پروفیسور او د لندن په کینگز کالج کې د جگړې د مطالعاتو په څانگه کې د لیدني پروفیسور و. [3] هغه د انگلستان د بهرنیو چارو او دولت مشترک دفتر د سویلي اسیا څانگې د مشورتي کمیټې غړی او د روسیې د ویدلای بحث کلب د اکاډمیک بورډ پخوانی غړی و . د هغه کتاب د بالتیک انقلاب لپاره. استونیا، لاتویا، لیتوانیا او د خپلواکۍ لاره، لیوین په 1994 کې د اورویل جایزه ورکړل شوه [4].



## اناتول لیوین

----- په درناوي « 07-09-2023 »